

آیا موسیقی محلی حرام است؟

دکتر حسین احمدی

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی - واحد مشهد

◆ چکیده:

در این مقاله برآنیم که ببینیم آیا موسیقی محلی که هم اکنون در مجالس و محافل شادی و اعیاد و رادیو و تلویزیون اجرا می‌شود در چه صورت جایز و در چه صورت جایز نیست.

ابتدا مبدء پیدایش موسیقی را بررسی می‌کنیم، سپس فرق موسیقی و غناء را مشخص می‌نمائیم، آنگاه دیدگاه فقهای شیعه را در رابطه با غناء و موسیقی مطرح می‌نمائیم، و با توجه به این که معیار حرمت را در غناء، لهو و طرب می‌دانند به معنای این دو واژه می‌پردازیم، سپس در این رابطه صحبت می‌کنیم که آیا غناء از مقوله کلام است یا صوت؟ و بالاخره حکم شرعی غناء را از دیدگاه فقهاء شیعه مشخص می‌نمائیم و در نهایت مواردی که از حرمت غناء استثناء شده است بیان خواهد شد، و در خاتمه برداشت شخصی خود را به خاطر این که محرکی برای محققین شود و در این مقوله تحقیق مکفی فرمایند تا حکم الله کشف گردد، اظهار می‌داریم.

کلمات کلیدی: موسیقی، غناء، طرب، آلات لهو، مستثنیات غنا

مبده پیدایش موسیقی و انواع آن

موسیقی را می‌توان به دو نوع تقسیم کرد که هر قسم سرگذشت تاریخی جداگانه و دو مبده تاریخی متفاوت دارد.

۱. موسیقی طبیعی که برخاسته از متن نظام طبیعت و آفرینش می‌باشد که اراده انسان در ایجاد و کیفیت آن دخالتی ندارد؛ مانند نوای دلنشین پرندگان؛ نغمه جویبارها؛ صدای آبشارها؛ صدای وزش بادهای ملایم در درختان و...

این نوع موسیقی مورد بحث ما نیست، زیرا در جواز آن منعی بلکه شکی وجود ندارد. بدیهی است پیدایش این نوع موسیقی طبیعی، با پیدایش دنیا، مقارن می‌باشد. و این موسیقی طبیعی برای انسان، الهام بخش لطیف‌ترین اشعار ادبی و عرفانی و احیاناً شکل‌گیری سایر رشته‌های هنری بوده است.

۲. موسیقی غیرطبیعی (مصنوعی و هنری) که برخاسته از استعداد های هنری انسانها است عبارتند از: آهنگهایی که انسان در تکوین و شکل‌گیری و کیفیت آنها نقش اساسی داشته و این نوع محور اصلی بحث ما در این مقاله است. در مبده پیدایش این نوع موسیقی اختلاف نظر وجود دارد: دسته‌ای از مورخان، مبده پیدایش این نوع موسیقی را مقارن قرائت شیوای تورات دانسته و معتقدند که مبتکر موسیقی یهود یانند. دسته‌ای دیگر مبده پیدایش موسیقی را دوران حکومت اقوام سومری و کلدانی می‌دانند. در هر صورت با توجه به این که گفته شده موسیقی غیر طبیعی الهام گرفته از موسیقی طبیعی است، مبده پیدایش آنرا باید آغاز زندگی انسان دانست بنابراین اگر ادعا شود که علاقه به موسیقی از امور فطری است گراف نیست.

فرق موسیقی و غناء در لغت

در رسائل اخوان الصفا آمده: موسیقی همان غناء است (لذا در روایات به معنی و مغنیه تعبیر شده) و موسیقار، نوازنده غناء، و موسیقات، آلات غناء است. و غناء آهنگهای هماهنگ شده و نغمه‌های پی‌درپی و آوازهای ردیف شده را گویند. در قاموس اللغه آمده است: غناء همچون کساء عبارتند از صوتی که با آن ایجاد طرب می‌کند. تریحی در مجمع البحرین می‌گوید:

غناء مانند کساء صوتی است که در گلو غلطانیده شود و حالت را تغییر دهد یا آوازی است که در عرف غناء می‌شود ولو این که طرب آور نباشد. در نهایت این اثیر آمده است: هر کسی صدایش را بالا ببرد و آن را ادامه دهد، این گونه صدای او در عرب غنا محسوب می‌شود. در صحاح اللغه، جوهری می‌گوید: غناء عبارتند از: کشیدن صدائی که مشتمل باشد بر ترجیع طرب انگیز. که این قول مشهور فقها نیز هست.

موسیقی سنتی

از فرمایشات امام خمینی و استفتائی که از محضر مراجع شده نیز برداشت می‌شود که فرقی بین موسیقی و غناء نیست (حدافل در حکم)، امام خمینی (ره) می‌فرماید: موسیقی با تریاک فرقی ندارد از جمله چیزهایی که باز مغز جوانهای ما را تهدید می‌کند موسیقی است، موسیقی سبب می‌شود که اگر مغز انسان چند وقتی به موسیقی گوش کند تبدیل به مغز غیر فعال و غیر جدی شود و انسان را از جدیت بیرون می‌کند.

سؤال: آیا موسیقی سنتی که میراث ملی ایران است حرام است یا خیر؟

پاسخ: آیت اله خامنه‌ای: چیزی که از نظر عرف موسیقی لهوی مناسب با مجالس لهو و معصیت محسوب شود بطور مطلق حرام است و در این مورد فرقی بین موسیقی ایرانی و غیر ایرانی و موسیقی سنتی و غیر آن نیست.

آیت‌اله تبریزی: موسیقی لهوی حرام است و فرقی بین سنتی و غیر سنتی نیست.

آیت اله فاضل: سنت حرام باید ترک شود.

آیت اله سیستانی: معیار حلال و حرام سنتی بودن نیست.

آیت اله صافی: حرام است.

آیت اله بهجت: موسیقی مطرب حرام است.

سؤال: با توجه به ترویج موسیقی از طرف بعضی از مراکز فرهنگی، برخی می‌گویند: غناء

حرام است و موسیقی اشکال ندارد. لطفاً فرق بین غناء و موسیقی را بیان فرمائید، برخی می‌گویند:

موسیقی اصیل و سنتی اشکال ندارد لطفاً نظرتان را بفرمائید.

پاسخ: حضرت آیت اله خامنه‌ای: غناء خوانندگی مطرب و ملهی متناسب با مجالس عیش و نوش است و موسیقی نوازندگی با همان اوصاف است و در حکم با هم فرقی ندارند و هر دو حرام است.

حضرت آیت اله مکارم: کلیه صداها و آهنگهای مناسب مجالس لهو و فساد، حرام است و تشخیص آن با مراجعه با اهل عرف خواهد بود.

حضرت آیت اله تبریزی: موسیقی که مناسب خوشگذرانی باشد حرام است بین انواع آن فرقی نیست چه سنتی باشد و یا غیر آن.

حضرت آیت اله فاضل: موسیقی به یک ترکیب، تعریف اصوات است به نحوی که خوشایند باشد لذا اگر مناسب مجالس لهو و لعب باشد حرام است.

حضرت آیت اله صافی: موسیقی گاه برغناء و گاه بر آلات مختلف موسیقی مانند تار، سنتور، دف و غیره اطلاق می‌شود. موسیقی را اگر به همان معنای غناء و آوازا و سازها و بکار گرفتن آنها بدانیم، فراگرفتن موسیقی که از قدیم الایام بین اهل لهو و بزم متداول بوده و در کشورها و مناطق مختلف انواعی از آن به کار برده می‌شده و می‌شود همه حرام است.

موسیقی و غناء در اصطلاح فقها

۱. صاحب شرایع الاسلام می‌فرماید: غنا کشیدن صوت است بنحوی که شامل ترجیع و مطرب گردد و قید مطرب بودن، صوت را داخل در لهو می‌کند.

یعنی اگر در تعریف غنا قید مطرب که به معنای خفت آور است، نبود خیلی از صداهایی که در واقع طرب آور نیستند داخل غنای شدند. در حالی که به برکت این قید چه بسا صداهایی که با مد و ترجیع همچون اذان و دعا و ... آداء می‌شوند، صوت مطرب شمرده نمی‌شوند.

۲. علامه حلی در قواعد الاحکام می‌فرماید: غناء عبارتند از کشیدن صوت همراه با ترجیع. و ایشان قید مطرب را در تعریف غنا نیاورده‌اند.

۳. شهید ثانی می‌فرماید: غناء کشیدن صدا است به نحوی که شامل ترجیع و مطرب باشد، یا آنچه که در عرف غناء نامیده شود. بنابر نظر ایشان چه بسا آوازهایی که عملاً طرب آور نیستند و لکن عرفاً به آن غناء اطلاق می‌شود.

۴. شیخ انصاری در مکاسب می‌فرماید: **فالمحصل من الادله حرمه الصوت المرجع فيه على سبيل الهو، آنچه از ادله استفاده می‌شود غناء حرام صوت مرجع لهوی است.**

در جای دیگر می‌فرماید: **غناء همان لحن اهل فسوق و معاصی است که شامل صوت مرجع طرب انگیز است. و در ادامه می‌فرمایند منظور از صوت مطرب صدائی است که اجمالاً نسبت به معنی یا مستمع طرب‌انگیز باشد. یا هر صدائی را گویند که شان آن این است که طرب آورده و در صورت نبودن مانع مقتضی اطراب باشد و مراد از مانع قبح صدا یا امر دیگری غیر آن است. پس در تحقق غناء همین مقدار که صدا مقتضی برای اطراب بوده و شائیت آن را داشت کافی است.** (بنابراین غناء نسبت به هر کس بالفعل شرط نیست) حتی ایشان می‌فرمایند: **بسیار اتفاق می‌افتد شخصی که علناً تظاهر به خواندن غناء و صوت لهوی نمی‌کند بلکه نفسش به منظور تفرج لذت بردن او را به چیزی که موجب نشاط و رفع کسالت از وی شود دعوت کرده و بد خواندن اشعار لهوی بطور زمزمه و ادا می‌کند و در لباس عباراتی که در حکم و مراثی بصورت شعر در آمده پیاده می‌کند و بدین ترتیب خود را بخواندن غناء مشغول می‌نماید.**

۵. امام خمینی (ره) در تحریر الوسیله می‌فرماید: **ولیس هو مجرد تحسین الصوت، بل هو مده و ترجیحه بکیفیه خاصه مطبه تناسب مجالس الهو و محافل الطرب و آلات الهو و الملاهی... غناء صرف نیکو ساختن صوت نیست، بلکه کشیدن صوت و ترجیح آن با کیفیت خاص طرب انگیز است که مناسب مجالس لهو و محافل طرب و آلات لهو و ملاهی باشد.**

۶. آیت اله خامنه‌ای می‌فرماید: **غناء خوانندگی مطرب و ملهی متناسب با مجالس عیش و نوش است.**

۷. آیت اله مکارم می‌فرماید: **غناء آهنگ‌های متناسب با مجالس لهو و فساد است، که تشخیص آن با اهل عرف است.**

جمع‌بندی تعاریف فقها از غناء:

به نظر نگارنده اگر عمیقاً در بیان فقها تأمل شود روح همه آنها را بصورت ذیل می‌شود خلاصه کرد: **غناء عبارتند از: آهنگ و صوتی که متناسب مجالس لهو بوده و طرب انگیز و فساد انگیز است.**

سماع چیست؟

در فرهنگ لغات آمده است که: سماع آوزای است که حال شنونده را منقلب گرداند که همان صوت با ترجیع است.

شیخ انصاری می‌فرماید: سماء با غناء از نظر معنا متحد است، همانطور که صاحب صحاح اللغه به صراحت سماء را غناء دانسته و گفته: جاریه مسمعه یعنی جاریه مقنیه.

طرب و لهو چیست؟

در صحاح اللغه آمده است: طرب عبارت است از خفت و سستی که به واسطه شدت حزن یا سرور بر انسان عارض می‌گردد. در اساس اللغه نیز همین معنا آمده است.

شیخ انصاری (ره) می‌فرماید: معنای طرب در فقه نیز مشابه معنای لغوی آن می‌باشد. آنگاه ادامه می‌دهد و می‌فرماید: خلاصه کلام آنکه مجرد کشیدن صوت بدون ترجیع طرب انگیز یا با ترجیع بدون طرب، موجب آن نمی‌شود که لهو تحقق یابد بلکه کشیدن صدا در صورتی که با ترجیع باشد و موجب طرب و سستی گردد لهو خواهد شد و در نتیجه حرام است. و کسانی هم که در تعریف غناء به ترجیع تنها اکتفا کرده‌اند (مانند علامه در قواعد و محقق ثانی در جامع المقاصد) منظورشان ترجیع طرب انگیز است.

در جای دیگر شیخ اعظم می‌فرماید: مقصود از «صوت مطرب» صدائی است که اجمالاً نسبت به معنی یا مستمع طرب انگیز باشد، یا هر صدائی را گویند که شأن آن این بوده که طرب آورد (در صورت عدم مانع) باشد و مراد از مانع، قبح صدا و امثال آن می‌باشد. بنابراین در تحقق غناء همین مقدار که غناء شایسته و مقتضی برای اطراب باشد کافی است و غناء بودن بالفعل نسبت به هر کس شرط نیست حتی ایشان می‌فرمایند: اشعاری را که انسان به صورت زمزمه برای رفع کسالت بصورت لهوی می‌خواند غناء است. و در نهایت می‌فرماید:

هر صوتی که در آن ترجیع به صورت لهو باشد حرام است چه آنکه با ابزار غناء مانند تارو طنبور و نی (بدون صوت شخصی) انجام شود یا به صورت صوت تنها صورت گیرد.

بنابراین هر صدائی که لهو محسوب شود حرام است اگر چه به آن غناء نگویند و آنچه لهو محسوب نشود حرام نیست اگر چه غناء نامیده شود (هرچند چنین فرضی در خارج وجود ندارد) ولی در عین

حال موضوع حرمت، لهو است نه غناء زیرا دلیلی بر حرمت غناء بخاطر این که غناء است نداریم. در ادامه می‌فرماید:

تحقق لهو با دو شرط است.

۱. قصد تلهی، اگر چه آنچه را با این قصد می‌خوانند لهو نباشد، و مانند دعا و قرآن و مرثیه باشد.

۲. از نظر مستمع لهو باشد اگر چه خواننده آن را به قصد لهو نخواند. مانند خواندن اشعار بیهوده و باطل و مرجع در تحقق لهو اهل عرف و وجدان انسان است.

مرحوم علامه طباطبائی در تفسیر آیه شریفه (و من الناس من یشتري لهو الحدیث) می‌فرماید: لهو الحدیث از قبیل سرگرمی به شعر و موسیقی و مزار و سایر آلات لهو می‌باشد که همه اینها از مصادیق لهو الحدیث است.

در مجمع البیان در تفسیر آیه مذکور می‌فرماید: اکثر مفسرین بر آنند که مقصود از لهو الحدیث در این جا غناء می‌باشد چنان که از ابن عباس و ابن مسعود و دیگران همین تفسیر آمده و از امام باقر و از امام صادق و حضرت رضا علیه السلام در این باره روایت وارد شده که تعنی از جمله لهو الحدیث و کلام بیهوده است.

آیا موسیقی از مقوله کلام است یا صوت؟

از جمله مسائلی که در باب غناء نزد فقها مطرح می‌باشد این است که آیا غناء از مقوله کلام است یا صوت و یا هر دو؟

یعنی آیا محتوی سخنان و اشعار باعث غناء می‌گردد یا نحوه صوت و آهنگ موجب غناء می‌شود. هر قسم طرفدارانی دارد که برای نظر خود استدلال کرده‌اند:

الف: دلیل کسانی که غناء را از مقوله کلام دانسته‌اند:

روایاتی است که در تفسیر آیه مبارکه «و من الالباس من یشتري لهو الحدیث» و «آیه شریفه والذین لایشهدون الزور» وارد شده است و مصداق «لهو الحدیث» و «قول الزور» را، سخنان که باطل است دانسته‌اند:

یعنی در روایات متعدد «لهو الحدیث» و «قول الزور» به معنای غناء آمده است. البته معنای لغوی حدیث و قول نیز کلام و سخن است. بنابراین غناء حرام اختصاص به گفتار و کلامی دارد که مشتمل بر سخن باطل باشد، نه نحوه اداء کلام (صوت).

ب: دلیل کسانی که غناء را از مقوله صوت می‌دانند:

۱. علماء لغت غناء را به کیفیت صوت معنا کرده‌اند.

۲. عرفاً مردم غناء را به کیفیت صوتی اطلاق می‌کنند.

۳. مضمون روایات متعدد دلالت دارد که غناء کیفیت صوتی است از جمله:

در روایت عبدالاعلی آمده که ابن فضل می‌گوید: از امام صادق (ع) درباره غناء پرسیدم، اهل سنت گمان می‌کنند که رسول خدا (ص) اجازه داده که گفته شود: جتناکم جتناکم، حیونا حیونا نحیکم.

امام (ع) در جواب فرمود: آنها دروغ می‌گویند. وجه استدلال: کلمات مزبور، خود به خود باطل و لهو نیستند، و آنچه باعث شده امام (ع) اجازه پیغمبر را در گفته آنها تکذیب کند، آهنگ خاصی که در آ آن کلمات بکار برده می‌شود. پس غناء از مقوله صوت است نه کلام.

لذا شیخ انصاری می‌فرماید: برخلاف آن چه از روایات بر می‌آید، غناء از مقوله کلام نیست بلکه حالت و کیفیت صوتی است و چنین نتیجه می‌گیرد: «و بالجمله فکل صوت یعد فی نفسه معه قطع نظر عن الکلام المتصوت به لهواً و باطلاً فهو حرام» هر صوتی که فی نفسه با قطع نظر از کلامی که در آن بکار رفته، لهو و باطل شمرده شود، حرام است.

نمرة دو قول:

اگر غناء را از مقوله کلام بدانیم، آوازه‌هایی که محتوای آن را اشعاری سازنده، علمی، اخلاقی و آموزنده تشکیل می‌دهند ولو با آهنگهای لهوی خوانده شوند شرعاً اشکالی ندارند، زیرا غناء از مقوله کلام است و کیفیت صوت، غناء محسوب نمی‌شود.

بنابراین قول، غناء در مراثی و قرآن راه ندارد چون کلام آنها حق است. و اگر گفته شود غناء از مقوله صوت، است در این صورت هر کلامی را با هر محتوایی اگر با آهنگ غیر لهوی اداء

نمائیم شرعاً اشکالی نخواهد داشت. هر کلامی (حتی قرآن و مراثی) اگر با آهنگ لهوی اداء شود غناء و حرام خواهد بود. به نظر نگارنده حق با همین قول است.

حکم غناء:

مرحوم محدث کاشانی فرموده‌اند که غناء ذاتاً حرام نیست بلکه حرمت آن به خاطر مواردی است که حرمتشان از خارج ثابت است و همراه غناء تحقق پیدا می‌کنند مثل استفاده از آلات لهو و اختلاط زن و مرد در آن مجالس و بیان سخنان، در غیر این صورت نفس غناء را نمی‌توان محکوم به حرمت دانست. و اخبار حرمت غناء اختصاص به غناء دارد که در زمان بنی امیه و بنی عباس معهود و متعارف بوده که در مجلس زنان و مردان مختلط بوده‌اند و با باطیل تغنی می‌نموده‌اند و با آلات لهو به خوشگذرانی مشغول بوده‌اند، بنابراین تغنی با اشعاری که متضمن امور معنوی باشد و انسان را به آخرت تشویق کند و یا نعم الهی را یاد آور شود و یا انسانها را به امور خیر ترغیب نماید اشکال ندارد. و ایشان برخی روایات را مدرک نظر خود قرار داده که عبارتند از:

۱. علی ابن جعفر می‌گوید: از امام موسی ابن جعفر (ع) پرسیدم، غناء در روز عید فطر و قربان

و در شادی و فرح چه حکمی دارد؟

حضرت فرمودند: مادامی که با آن عصیان و گناه نشود، اشکالی ندارد. بدیهی است که

موضوع مورد سؤال خصوصیتی ندارد.

۲. ابوبصیر از امام صادق (ع) روایت می‌کند که آن حضرت فرمود: اجرتی که زن مغنیه در

یافت کرده و او را برای زفاف در عروسی‌ها دعوت می‌کنند اشکالی ندارد، مشروط به این که مردها بر زنها وارد نشوند.

۳. در روایت دیگر علی ابن جعفر از برادرش موسی ابن جعفر (ع) نقل می‌کند که آن

حضرت در رابطه با غناء در روز عید فطر و قربان و ایام شادی فرمود:

مادامی که به واسطه آن از مار حاصل نشود بلامانع است. و منظور این است که مادامی که

همراه با آن بامزمار به لعب و لهو مشغول نشوند اشکالی ندارد. پس از این روایات استفاده می‌شود

که غناء به خاطر این که موجب لهو لعب یا ورود مردها به مجلس زنها می‌شود حرام است و الا حرام نیست.

اما قول مشهور از جمله قول شیخ اعظم انصاری این است که غناء فی نفسه حرام است، زیرا اولاً روایات فوق الذکر ناظر بر غالب است (یعنی غالباً در مجالس غناء مردها وارد مجلس زنها شده‌اند و غالباً زنها مغنیه در مجالس مردها می‌خوانده‌اند و غالباً مجالس غناء همراه با لهو و لعب بوده است). ثانیاً این روایات نمی‌توانند مانع اطلاق روایاتی شوند که به صراحت غناء را حرام اعلام کرده‌اند مانند:

۱. عبدالله ابن جعفر از ابالحسن اول که فرمود: **ثمن الکلب و المغنیه سحت.**

و در روایت دیگر امام (ع) فرمود: **«ما ثمنها الا ثمن الکلب»**

شیخ انصاری می‌فرماید: اخبار وارده در این باره مستفیض بوده بلکه در کتاب ایضاح مرحوم فخرالمحققین ادعای تواتر آنها را نموده. از جمله این روایات احادیث مستفیضی است که در تفسیر قول زور در فرموده حق تعالی یعنی: **«فاجتنبو قول الزور»** از قول زور پرهیزید. وارد شده و آنها عبارتند از:

۱. زید شحام می‌گوید: از امام صادق (ع) در رابطه با معنای **«قول زور»** سؤال کردم، حضرت فرمود: **«قول الزور الغناء»**. قول زور همان غناء است. مشابه همین روایت از علی ابن ابراهیم نقل شده است.

۲. مرحوم کلینی با واسطه ابی بصیر نقل می‌کند که از امام صادق (ع) درباره معنای قول زور سؤال کرد حضرت فرمود: **«الغناء»** قول زور همان غناء است، مشابه این روایت از عبدالاعلی از امام صادق (ع) نقل شده است. و نیز روایت دیگر با همین مضمون از علی ابن ابراهیم با واسطه از امام صادق (ع) نقل شده است.

۳. محمد ابن مسلم می‌گوید: امام باقر (ع) فرمود: **«الغنا مما وعد الله علیه النار»** سپس این آیه شریفه را تلاوت فرمود. **و من الناس من یشتري لهو الحدیث لیضل عن سبیل الله بغير علم و یتخذها هزواً اولئک لهم عذاب مهین.**

مشابه این روایت در رابطه با آیه شریفه از علی ابن ابراهیم با واسطه از امام صادق (ع) نقل شده است و نیز روایتی دیگر از امام رضا (ع) نقل شده است.

۴. علی ابن ابراهیم با واسطه از امام صادق (ع) نقل می‌کند که فرمود: **«الغنائی مجلس لا ینظر الله تعالی الی اهلته»** غناء آن مجلسی است که خداوند به اهل آن مجلس نظر نمی‌کند.

۵. ابی صباح می گوید: از امام صادق (ع) در رابطه با معنای آیه شریفه «لا یشهدون الزور» سؤال کردم، امام فرمود: الغناء، یعنی معنای زور همان غناء است.

دیدگاه فقهای متقدم شیعه پیرامون غناء

۱. شیخ صدوق. در کتاب مقنع می فرماید: بدان که اجرت زن آوازه خوان واجرت زانیه و بهاء سگ حرام است.
۲. شیخ مفید. می فرماید: کاربرد عود و طنبور و سایر آلات موسیقی حرام است و تجارت آنها ممنوع است، خرید و فروش کنیزکان آوازه خوان حرام بوده و آموزش غناء در شرع اسلام ممنوع می باشد.
۳. شیخ طوسی، می فرماید: از جمله محرمات همه آلات موسیقی و تجارت آنها و کاربا آنها است. نظیر عودها طنبورها و غیر آنها حرام هستند.
۴. سلاردر کتاب مراسم آورده: کاربرد آلات موسیقی و تجارت با آنها و اجرت زن آوازه خوان و نوحه گر با سخنان باطل و پوچ حرام است.
۵. ابن ادریس در کتاب سراسر فرموده است: همه وسائل لهو و لعب در انواع مختلف آن از قبیل طنبور و دایره ها و نای و آنچه که از صنف آنهاست و نی و رقص و پایکوبی و همه آنچه که از صداها و آوازه ها باعث طرب پی گردد و آنچه از آن قبیل است و کاسبی کردن زنان آوازه خوان در عروسی ها مادامی که همراه با سخنان باطل و لهو نباشد بر طبق روایات بلاشکال و اظهر این است که غناء از هر کسی باشد حرام است.

دیدگاه فقهای متأخر شیعه

۱. شیخ انصاری می فرماید: اختلاف بین فقهای شیعه در حرمت غناء وجود ندارد و اخبار وارده در این باره مستفیض بوده بلکه ادعای تواتر شده است.
۲. صاحب جواهر نیز غناء را از کسب هایی شمرده که حرام است تا جایی که می فرماید: بلکه گفته شده که تحریم غناء مانند تحریم زنا دارای اخبار متواتره و ادله متکاثره است. بنابراین فقهای شیعه (متقدمین و متأخرین) تا قرن دهم اختلافی در حرمت غناء ندارند بجز موارد اندک نظیر حداء و اعراس.

مستثنیات حرمت غناء

۱- غناء در عروسی

جمعی از فقهای شیعه گفته اند که، غناء در عروسی اشکالی ندارد و مراد آنها از عروسی همان شبی است که عروس را به خانه شوهر می‌برند.

۲. شیخ انصاری می‌فرماید: از استثنائات حرمت غناء کنیز آوازه خوان است در عروسیها، به شرط این که با حرام دیگری از قبیل سخنان باطل یا آلات لهو محرمه و یا ورود مردان نامحرم در مجالس زنان، همراه نگردد.

۳. مرحوم صاحب جواهر از بعضی از بزرگان نقل می‌کند که مشهور فقها به این استثناء اعتقاد دارند و خود ایشان نیز آن را می‌پذیرند و می‌فرماید: بله سزاوار است که بر خصوص فقط زن خواننده فقط در عروسی اکتفا شود.

۴. امام خمینی (ره) نیز در مکاسب محرمه نیز همین نظر را دارند.

۵. از جمله فقهای دیگر که غناء را در عروسی جایز دانسته‌اند عبارتند از:

علامه در تذکره، و قواعد، و محقق در مختصر النافع، و شیخ طوسی در نهایه، و شهید اول در دروس، و شهید ثانی در مسالک، اما شیخ مفید در مقننه، و مفتاح الکرامه، و ابن ادریس در سرائر و فخر محققین در بضح الفوائد، و سلا در مراسم، غناء را در عروس استثناء نکرده‌اند.

غناء در اعیاد و به هنگام شادیا

اکثر فقها این مورد را استثناء نکرده‌اند و ظاهر کلام بسیاری از آنان این است که غناء در عیدین و شادیا مانند سایر موارد حرام است اما در قرب الاسناد از سید حمیری روایتی است مبنی بر استثناء حرمت غناء در این گونه موارد: علی بن جعفر می‌گوید از برادرم موسی بن جعفر (ع) درباره «غناء» در عیدین (فطر و قربان) و به هنگام سرور و شادی پرسیدم، حضرت فرمود: مادامی که به غناء معصیت نشود عیبی ندارد.

صاحب وسائل الشیعه در ذیل این روایت می‌فرماید: ممکن است منظور خصوص عروسی در ایام عیدین باشد و احتمال دارد که امام (ع) در حال تقیه این سخن را فرموده است. صاحب جواهر نظیر این توجیهاات را عنوان نموده است.

۳. غناء در مراثی و قرآن:

۱. صاحب جامع المقاصد می‌فرماید: اگر در مراثی سید الشهداء و ائمه اطهار (ع) اشعار با کیفیت غناء خوانده شود اشکالی ندارد.
۲. مقدس اردبیلی در شرح می‌فرماید: در حرمت غناء اجماع ثابت نیست مگر در غیر مراثی و اخبار صحیح و صریحی هم در تحریم مطلق غناء وارد شده باشد وجود ندارد. سپس دلایلی را برای ادعای خود ذکر می‌کند:
- الف: گریه و زاری مستحب است و ثواب زیادی دارد.
- ب: سیره متعارف این بوده تا کنون که در مراثی غناء بوده و کسی از فقها آن را انکار نکرده.

امام خمینی در پاسخ این دلیل اظهار می‌دارند: علت عدم انکار فقها این است که بسیاری از اصوات مشکوک بوده و هست لذا فقها به صراحت حکم به حرمت آنها نداده‌اند. یعنی چه شبهه حکمیه باشد و چه شبهه موضوعیه، حکم آن برائت است.

ج: جواز نوحه‌گری غنائی و جایز بودن اخذ اجرت بر آن مؤید بر مطلب است. به نظر می‌رسد شایسته است که گفته شود اصلاً مراثی و نوحه سرائی‌ها مصداق غناء محسوب نمی‌شود. زیرا حرمت غناء بخاطر مطرب بودن آن است و در مراثی نه تنها طرب نیست بلکه چیزی جز حزن و اندوه وجود ندارد.

بنابراین آنچه معمولاً در عزاداریها مرسوم است موضوعاً با غناء تفاوت دارد. البته اگر مرثیه‌ای با آواز مطرب اجرا شود شکی در حرمت آن نیست، شاید حرمت و عقوبت آن به مراتب بیش از آهنگهای لهوی عادی باشد.

اما غناء در قرآن

همه فقها می‌گویند باید قرآن را با آوای خوش تلاوت کرد و همان طور که گفته شد صوت خوش و قرأت زیبای قرآن از موضوع غناء خارج است و هر قدر قرآن را زیبا بخوانند و در آن ترجیح نمایند که دیگران از شنیدن آیات قرآن به نشاط بیایند و یامحزون شوند اشکالی ندارد. البته اگر کسی قرآن را با موزیک و به صورت لهوی بخواند قطعاً حرام است.

محقق سبزواری در کفایه الاحکام می فرماید: قرآن خواندن مطلقاً نیکو است و لو به صورت غناء خوانده شود زیرا دستور داده شده که قرآن را با صدای زیبا و ترجیع بخوانید و این خصوصیات صوتی طبعاً از غناء جدا نیست. اما ظاهراً روایات ذیل مطلب فوق را تأیید نمی نمایند. عبدالله بن سنان از امام صادق (ع) نقل می کند که رسول خدا فرمود: «اقرروا القرآن بالحن العرب و اصواتها، و ایاکم و لحن اهل الفسق و اهل الکبایر، فانه سیجی من بعدی اقوام یرجعون القرآن ترجیع الغناء النوح و الرهبانیه، لایجوز تراقیهم، قلوبهم مقلوبه و قلوب من یعجبه شأنهم.»

قرآن را با لحن های عرب بخوانید و بر حذر باشید از لحن های اهل فسق و فجور و اهل گناهان کبیره، زیرا پس از من مردمانی می آیند که قرآن را ترجیع می نمایند مانند ترجیع غناء و نوحه خوانی و آواز کشیشان که از گلوی آنها فراتر نرود، دلهای آنها وارونه است و همچنین دلهای کسانی که از خواندن آنها لذت می برند و استقبال می کنند.

۲. شیخ صدوق در عیون اخبار از حضرت رضاع) و آن حضرت از پدرانش تا امیرالمؤمنین (ع) که از قول رسول خدا نقل می کند که آن حضرت فرمود: من در مسائلی بر شما می ترسم این که دین را کوچک شمردید و بدان بی اعتنا باشید و از این که قضاوت را بفروشید (شره بگیری)، و صلۀ رحم را قطع کنید و دیگر این که قرآن را با لحن های لهوی بخوانید، و در میان خود فردی را ارجح دانید که از جهت دین و تقوی بهترین شما نیست.

در پایان مبحث مستثنیات باید گفت اگر غناء فی نفسه و ذاتاً حرام باشد، فرقی نمی کند در عروسی باشد یا اعیاد یا در مرثی و قرآن (و روایات جواز را باید حمل بر نفی کرد) مگر این که بگوئیم که حرمت غناء به خاطر طرب آن است، و طرب در قرآن و مرثی محقق نمی شود پس این دو مورد موضوعاً از حکم غناء خارجند.

دیدگاه نگارنده درباره غناء و موسیقی

با توجه به تفسیری که از آیات مربوطه شده و روایاتی که درباره غناء رسیده و نظرات فقهای عظام شیعه، بدون شک غناء حرام است. بلکه بعضی از فقها فرموده اند که از ضروریات دین است. و آنچه در منابع، علت حرمت غناء دانسته شده، مطرب بودن، متناسب بامجالس لهو بودن و فساد انگیز آن است. از طرف دیگر همه منابع، موضوع را به «عنوان غناء» قرار داده اند بخصوص در

روایات فقط مغنی و مغنیه تعبیر شده است و به موسیقی اشاره نشده است. ولی سؤال این جاست: موسیقی عرفی چه حکمی دارد؟

آیا موسیقی مطلقاً همان غناء است؟ بعید به نظر می‌رسد، و در روایات به حرمت موسیقی تصریح نشده است.

آیا موسیقی هم مطلقاً مطرب است؟ در این صورت می‌شود گفت در مرحله اول موسیقی مطرب نیست مگر این که به درجه غناء رسد.

آیا موسیقی مطلقاً متناسب مجالس لهو است؟ این جانیز نمی‌شود گفت موسیقی فقط متناسب مجالس لهو است، در غیر این صورت عمده مجالس و مراسمات جاری در جامعه حرام خواهد شد، در حالی که خیلی از علما و اتقیاء... را و در آن مجلس می‌بینم.

آیا موسیقی مطلقاً فساد انگیز است؟ به نظر می‌رسد اگر به درجه غناء نرسد نه این که فساد ندارد بلکه آرام بخش است و دوائی امراض روانی است، لذا در دنیا به وسیله موسیقی حتی شیر بیشتر از گاوها می‌دوشند، چون موجب آرامش آنها می‌شود و نیز گیاهان را سریعتر رشد می‌دهند و برخی از امراض را معالجه می‌کنند.

آیا موسیقی مطلقاً مخدر است (آنطوری که در فرمایش امام خمینی ره آمده)؟ باید گفت اگر منظور مفسده باشد، به طور قاطع نمی‌شود گفت مطلقاً مخدر است.

آیا مطرب یعنی سستی که از شدت شادی و یا شدت حزن در انسان ایجاد می‌شود؟ به نظر می‌رسد، مطرب فقط حالتی است که از شدت طرب و شادی در انسان ایجاد شود و شامل حالتی که از شدت حزن در انسان بوجود می‌آید نمی‌شود.

آیا صرف این که صوتی شانیت غناء داشته باشد حرام است ولو این که برای بعضی افراد مطرب نباشد یا حتی تنفر آور باشد؟ به نظر می‌رسد ملاک شخص مکلف است نه شانیت، زیرا تکالیف متوجه افراد می‌شود (لا یكلف الله فحشا...) پس باید گفت نفس شانیت حرمت آور نیست بلکه اگر غناء محقق شد حرام است، حتی بر فرض تحقق اگر برای افراد مطرب نبود و حالتی ایجاد نکرد، دلیلی بر حرمت آن نداریم.

به نظر من باید گفت: غناء مطلقاً حرام است ولی موسیقی مطلقاً غناء نیست.

اگر موسیقی به درجه‌ای باشد که مطرب و لهو و فساد انگیز و دارای عوارض حرام نباشد، مانند موسیقی‌هایی که به صورت ملایم غیر لهوی و غیر غنائی در مجالس عمومی و همایش‌ها در حماسه‌های جنگی (که بسیار کارآمد است) و سرودهای ملی و مجالس دینی حرام نیست.

اما اگر به درجه‌ی غناء برسد و متناسب مجالس لهو و لعب گردد و ایجاد طرب نماید و افراد را به ضلالت سوق دهد در آن صورت از عنوان موسیقی خارج شده و داخل غناء می‌شود و حرام است. عرف و عقلاً هم همین روش را عملاً دنبال می‌نمایند.

در غیر اینصورت باعث عسرو حرج خواهد شد، عموماً باید از تلویزیون، رادیو استفاده نگردد. در مراسمات عمومی و مجالس عروسی و... شرکت نکرد، زیرا این گونه برنامه‌ها هم از ابزار موسیقی استفاده می‌شود و هم شأن غنائی دارند و لولو این که عملاً غناء نباشند و مطرب و لهو نیز نباشند.

غناء در قرآن و مراثی تحقق پیدا نمی‌کند زیرا هرگز به درجه‌ی لهو و طرب فساد انگیز نمی‌رسد، مگر آنکه آنها را با آلات موسیقی همراه سازند.

استثنائاتی که بعضی در اعراس و مراثی و عیدین و قرآن ذکر کرده‌اند، به نظر من اگر غناء باشد فرقی نمی‌کند و در همه جا حرام است، چون غناء حلال نداریم ولی اگر به صورت موسیقی غیر غنائی و غیر لهوی باشد مثل مراسمات دیگر بلا اشکال است (و روایات عدم جواز قابل توجه است)

دلیل بر این دیدگاه:

۱. عدم وجود آیات با روایاتی که به صراحت از موسیقی منع کرده باشد.
 ۲. تقریر معصومین (ع) در رابطه با موسیقی‌هایی که در زمان آنها خاصه در اعراس رایج بوده است.

۳. مضمون بعضی از آیات، از جمله آیه ۳۲ اعراف که می‌فرماید: بگو چه کسی زینی را که خداوند برای بندگانش خلق کرده و... حرام ساخته است؟

و فرض این است موسیقی غیر غنائی و غیر لهوی لذت بخش است و مصداق زینت است.

۴. اجرای اصاله البرائه، یعنی اگر شک کنیم که موسیقی همان غنای محرم است یا نه، اصاله

البرائه جاری می‌شود.

۵. عرفاً به مطلق موسیقی غناء اطلاق نمی‌شود، ما در صفحات قبل دیدیم که بعضی از بزرگان ملاک را تشخیص عرف قرار داده اند از آن جمله:
۱. در مجمع البحرین گفته غناء عبارت است از آوازی که در عرف غناء محسوب می‌شود.
 ۲. شهید ثانی می‌فرماید: غناء کشیدن صدا است به نحوی که شامل ترجیع مطرب باشد و یا آنچه که در عرف غناء نامیده می‌شود.
 ۳. آیت‌اله مکارم می‌فرماید: غناء آهنگهای متناسب بامجالس لهو و فساد است که تشخیص آن با اهل عرف است.





پښتونستان د علومو او انساني مطالعاتو فریښی
پرتال جامع علومو انسانی